

مبانی حقوق مدنی

اعمال حقوقی و تعهدات

تألیف: مجتبی جرعہ نوش

چاپ نہم

۱۴۰۲

سرشناسه	: جرعه نوش، مجتبی، ۱۳۶۷ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: مبانی حقوق مدنی: اعمال حقوقی و تعهدات / تألیف مجتبی جرعه نوش.
مشخصات نشر	: تهران: مشاهیر دادآفرین، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۴۲۴ ص: نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۳۴-۲۶-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: چاپ نهم.
یادداشت	: چاپ قبلی: مشاهیر دادآفرین، ۱۳۹۵ ([۵۷۵]ص.).
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: حقوق مدنی -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
یادداشت	: (Civil rights - - Iran - - Study and teaching Higher)
	: حقوق مدنی -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
	: (Civil rights - - Iran - - Examinations, questions, tec. Higher)
	: تعهدات (حقوق) -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
	: (Obligations (Law) - - Iran - - Study and teaching Higher)
	: تعهدات (حقوق) ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
	: (Obligations (Law) - - Iran - - Examinations, questions, etc. Higher)
رده‌بندی کنگره	: KMH۵۰۰
رده‌بندی دیویی	: ۳۴۶/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۵۸۳۳۳

مبانی حقوق مدنی: اعمال حقوقی و تعهدات

مجتبی جرعه نوش

چاپ نهم - بهار ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۳۴-۲۶-۵

چاپ و صحافی: وطن آرا

مؤسسه مشاهیر دادآفرین: خیابان کارگر شمالی، بالاتر از چهارراه فاطمی، کوچه شهید اکبری، پلاک ۳۲،

تلفن: ۸۱۰۵۴

پست الکترونیکی: office@dadafarin.com وب سایت: www.dadafarin.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ:

جناب آقای امیر کالوند

و جناب آقای اسماعیل ساوالانی

کہ مشوق و یاور من ہستند۔

مقدمه

تجربه چند سال فعالیت در زمینه آموزشی مرا به این باور رساند که بسیاری از دانش‌آموختگان حقوق در مواجهه با آزمون‌های حقوقی، نیاز مبرمی به تسلط بر مسایل حقوقی و عمق بخشیدن به دانسته‌های خود دارند و با آمیزه‌ای از اضطراب و اشتیاق، پا به این مسیر می‌گذارند ولی به منبعی مناسب دسترسی ندارند و بعضاً درگیر تشتت منابع می‌شوند و این‌ها اگر به منابع اصلی روی آورند، سکینی میان استید عظام و حجم بالای مطالب، فرصت زیادی را از آن‌ها می‌گیرد. این کتاب به عنوان دومین اثر از مجموعه مبانی حقوق مدنی مؤسسه دادآفرین، در راستای پاسخ‌گویی به نیاز این عزیزان فراهم شده و در آن، کوشش کرده‌ام به ذکر راه حل «مسایل متعارف» اکتفا نکنم، بلکه تا حد امکان به طرح مسله و میان استدلال پرداخته‌ام تا خوانندگان گرامی، هم به پاسخ قاطع برای مسایل خود برسند و هم با شیوه اجتهاد حقوقی خوب‌گیرند و قطعاً هدف دوم را مرج می‌دانم.

بر خود می‌بالم که در طرح مطالب و نتیجه‌گیری، قدم در راه بزرگان حقوق گذاشته‌ام و اساس کتاب را بر بنای مکتب تحقیقی فخر حقوق ایران، مرحوم استاد دکتر امیرناصر کاووزیان بنا نهاده‌ام؛ محتوای علمی این کتاب را مدیون حضرت استاد حتم و کوشش کرده‌ام مکتب متعالی ایشان را با زبانی ساده به جویندگان و مشتاقان عرضه کنم. برای تکمیل فرایند یادگیری، در پایان هر بحث، مطالب را در نمودارهای نسبتاً مفصل ترسیم کرده‌ام.

در پایان لازم می‌دانم از همه بھکارانم در مؤسسه مشا، پیرمهر دادآفرین که به طرق مختلف مراد تهیه این مجموعه یاری کردند تشکر کنم؛ به ویژه سرکار خانم سیما پناهی و به طور بسیار ویژه سرکار خانم صدیقه دودانگه که برای تهیه این مجموعه، نهایت لطف را به من داشتند.

مجتبی جرحه‌نوش

بهار ۱۴۰۲

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمات	۱۷
۱- عالم اعتبار	۱۷
۲- تعهد و ارکان آن	۱۷
۳- اسباب ایجاد تعهد	۲۱
۴- اعمال حقوقی	۲۳
۵- وقایع حقوقی	۲۴
۶- الزام و التزام - دین و طلب	۲۵
۷- کلیات اعمال حقوقی و تعهدات	۲۶
۸- تعریف عقد	۲۶
۹- ایقاع	۲۸
فصل دوم: اقسام عقود و معاملات	۳۱
۱۰- عقد لازم، جایز و خیاری	۳۱
۱۱- عقد منجز و معلق	۳۹
۱۲- تفاوت عقد معلق با عقد مؤجل و عقد مشروط	۴۰
۱۳- اعتبار عقد معلق و اقسام تعلیق	۴۱
۱۴- شرایط تعلیق	۴۴
۱۵- اثر عقد معلق قبل از وقوع معلق علیه	۴۸
۱۶- اثر عقد معلق بعد از وقوع معلق علیه	۴۹
۱۷- شرط فاسخ	۵۲
۱۸- عقد مطلق و مشروط	۵۴
۱۹- عقد تملیکی، عهده‌ای و اذنی	۵۵

۲۰	- عقود مستمر و فوری	۵۷
۲۱	- عقود رضایی، تشریفاتی و عینی	۵۹
۲۲	- عقود معین و نامعین	۶۴
۲۳	- عقود مستقل و تبعی	۶۶
۲۴	- قراردادهای فردی و جمعی	۶۶
۲۵	- قراردادهای الحاقی و با گفت‌وگوی آزاد	۶۷
۲۶	- قراردادهای آزاد، ارشادی و تحمیلی	۶۸
۲۷	- قراردادهای معوض و مجانی	۷۰
۲۸	- عقد معین و احتمالی	۷۲
۲۹	- عقود مغایره و مسامحه	۷۲
۳۰	- معاوضات و مشارکات	۷۳
۷۵	فصل سوم: شرایط اساسی صحت معامله	
۳۱	- اصل آزادی قراردادی	۷۵
۳۲	- ضمانت اجرای شرایط اساسی صحت معامله	۸۰
۳۳	- تراضی (قصد و رضا)	۸۲
۳۴	- وجود اراده	۸۳
۳۵	- اعلام اراده	۸۵
۳۶	- تعارض اراده ظاهری و باطنی	۹۰
۳۷	- ایجاب	۹۳
۳۸	- زوال ایجاب	۹۵
۳۹	- ایجاب توأم با التزام	۹۶
۴۰	- قبول	۹۸
۴۱	- مطابقت ایجاب و قبول	۱۰۰

۴۲ - زمان و مکان وقوع عقد.....	۱۰۳
۴۳ - عیوب اراده.....	۱۰۶
۴۴ - اشتباه.....	۱۰۶
۴۵ - اشتباه در خود موضوع معامله.....	۱۱۱
۴۶ - اشتباه در شخص طرف معامله.....	۱۱۶
۴۷ - اکراه.....	۱۱۹
۴۸ - اضطرار.....	۱۲۶
۴۹ - وعده قرارداد.....	۱۲۷
۵۰ - فرض اصیل بودن طرف معامله.....	۱۲۹
۵۱ - نمایندگی.....	۱۳۳
۵۲ - معامله با خود.....	۱۳۷
۵۳ - اهلیت و اسباب حجر.....	۱۴۲
۵۴ - اعمال حقوقی محجوران.....	۱۴۷
۵۵ - اعمال حقوقی غیرمالی مربوط به محجوران.....	۱۵۱
۵۶ - وضعیت معاملات نمایندگان قانونی نسبت به امور مالی محجوران.....	۱۵۳
۵۷ - مورد معامه.....	۱۵۶
۵۸ - شرایط مال مورد معامله.....	۱۵۷
۵۹ - شرایط عمل مورد معامله.....	۱۶۳
۶۰ - جهت معامله.....	۱۶۴
۶۱ - معامله به قصد فرار از دین.....	۱۶۷
۶۲ - شرایط دعوی معامله به قصد فرار از دین.....	۱۷۱
فصل چهارم: آثار قرارداد.....	۱۷۵
۶۳ - لازم‌الاتباع بودن مفاد قرارداد و اصل لزوم.....	۱۷۵

- ۶۴ - انحراف از لازم‌الاتباع بودن مفاد قرارداد ۱۷۷
- ۶۵ - تفسیر و تکمیل قرارداد ۱۸۲
- ۶۶ - اصل صحت ۱۸۵
- ۶۷ - مفهوم مسئولیت مدنی قراردادی ۱۹۰
- ۶۸ - خسارت عدم اجرای تعهد و تأخیر در اجرای تعهد ۱۹۵
- ۶۹ - شرایط و ارکان مسئولیت مدنی قراردادی ۱۹۷
- ۷۰ - نقض تعهد ۱۹۹
- ۷۱ - عدم لزوم مطالبه اجرای اصل تعهد ۲۰۲
- ۷۲ - انقضای موعد اجرای تعهد ۲۰۴
- ۷۳ - ضرر ۲۰۷
- ۷۴ - شرایط خسارت قابل مطالبه و شیوه جبران آن ۲۱۲
- ۷۵ - رابطه سببیت ۲۱۷
- ۷۶ - قوه قاهره و اثر آن بر مسئولیت و قرارداد ۲۱۸
- ۷۷ - اوصاف قوه قاهره ۲۲۰
- ۷۸ - مصادیق خاص قوه قاهره ۲۲۳
- ۷۹ - خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد ۲۲۷
- ۸۰ - توافقات راجع به مسئولیت مدنی قراردادی - تضمین تعهد ۲۳۴
- ۸۱ - وجه التزام ۲۳۵
- ۸۲ - شرط کاهش تعهد، کاهش مسئولیت و عدم مسئولیت ۲۳۷
- ۸۳ - نسبی بودن آثار قرارداد ۲۳۹
- ۸۴ - انتقال موقعیت قراردادی ۲۴۲
- ۸۵ - قابلیت استناد قرارداد ۲۴۴
- ۸۶ - تعهد به نفع شخص ثالث ۲۴۶

۲۵۹	فصل پنجم: شروط ضمن عقد.....
۲۵۹	۸۷ - مفهوم شرط ضمن عقد.....
۲۶۲	۸۸ - اقسام شرط به اعتبار زمان توافق.....
۲۶۴	۸۹ - شرایط صحت شرط و تأثیر آن بر عقد.....
۲۷۰	۹۰ - شرط صفت.....
۲۷۲	۹۱ - شرط صفت راجع به کمیت.....
۲۷۷	۹۲ - شرط نتیجه.....
۲۸۰	۹۳ - شرط فعل.....
۲۸۵	۹۴ - تفاوت شرط فعل و شرط نتیجه.....
۲۸۷	۹۵ - اسقاط شرط.....
۲۹۰	۹۶ - تأثیر انحلال عقد بر شرط.....
۲۹۴	۹۷ - شرط ضمن ایقاع.....
۲۹۵	فصل ششم: معاملات فضولی.....
۲۹۵	۹۸ - مفهوم معامله فضولی.....
۲۹۷	۹۹ - اجازه عقد فضولی.....
۲۹۹	۱۰۰ - رد معامله فضولی.....
۳۰۱	۱۰۱ - التزام اصیل به معامله فضولی.....
۳۰۱	۱۰۲ - قائم مقامی در اجازه یا رد معامله فضولی.....
۳۰۳	۱۰۳ - اثر اعتقاد به فضولی بودن معامله یا انتقال مال به فضول.....
۳۰۴	۱۰۴ - تبعیض در معامله فضولی.....
۳۰۶	۱۰۵ - تعدد معامله فضولی.....
۳۰۸	۱۰۶ - اثر اجازه عقد فضولی.....
۳۰۹	۱۰۷ - ضمان طرفین عقد فضولی نسبت به مبیع فضولی.....

۱۰۸ - تضمین اجازة.....	۳۱۱
فصل هفتم: سقوط تعهدات	۳۱۳
۱۰۹ - مفهوم و ماهیت وفای به عهد.....	۳۱۳
۱۱۰ - پرداخت‌کننده (ایفاکننده).....	۳۱۶
۱۱۱ - شرایط وفای به عهد در خصوص مال کلی.....	۳۲۲
۱۱۲ - گیرنده.....	۳۲۶
۱۱۳ - یگانگی موضوع وفای به عهد با موضوع تعهد.....	۳۲۹
۱۱۴ - موضوع وفای به عهد در اقسام مختلف.....	۳۳۲
۱۱۵ - مهلت عادلہ یا قرار اقساط.....	۳۳۷
۱۱۶ - زمان وفای به عهد.....	۳۴۰
۱۱۷ - مکان وفای به عهد.....	۳۴۱
۱۱۸ - هزینه وفای به عهد.....	۳۴۲
۱۱۹ - اثبات وفای به عهد.....	۳۴۲
۱۲۰ - انتساب پرداخت به یکی از چند دین.....	۳۴۴
۱۲۱ - اثر پرداخت در تحقق دین (دین طبیعی).....	۳۴۵
۱۲۲ - اثر پرداخت در اثبات دین (اماره مدیونیت).....	۳۴۶
۱۲۳ - مفهوم و شرایط اقاله.....	۳۴۹
۱۲۴ - احکام اقاله.....	۳۵۴
۱۲۵ - اثر اقاله در قراردادهای تملیکی و عهدی.....	۳۵۸
۱۲۶ - مفهوم ابرا.....	۳۶۲
۱۲۷ - مقایسه ابرا و مفاهیم مشابه.....	۳۶۵
۱۲۸ - شرایط و آثار ابرا.....	۳۷۰
۱۲۹ - کلیات تبدیل تعهد.....	۳۷۴

۳۷۸.....	۱۳۰ - تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل موضوع.....
۳۸۴.....	۱۳۱ - تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل سبب.....
۳۸۴.....	۱۳۲ - تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل مدیون.....
۳۸۹.....	۱۳۳ - تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل داین.....
۳۹۶.....	۱۳۴ - زوال تضمینات تعهد پس از تبدیل تعهد.....
۳۹۸.....	۱۳۵ - مفهوم و کلیات تهاتر.....
۴۰۲.....	۱۳۶ - شرایط تهاتر قهری.....
۴۰۸.....	۱۳۷ - انحراف از تهاتر قهری.....
۴۰۹.....	۱۳۸ - موانع تهاتر.....
۴۱۲.....	۱۳۹ - آثار و رسیدگی به تهاتر.....
۴۱۶.....	۱۴۰ - مالکیت مافی‌الذمه.....

فصل اول: مقدمات

قبل از ورود به مباحث اصلی حقوق مدنی^۳، لازم است با برخی مفاهیم مقدماتی نظیر تعهد، عمل حقوقی، واقعه حقوقی، عقد و ایقاع آشنا شویم و در این فصل، به بررسی این مفاهیم خواهیم پرداخت.

۱- عالم اعتبار

۱. ظرف ایجاد روابط حقوقی، عالم اعتبار است و این عالم در برابر عالم مادی قرار دارد. امور عالم مادی، امور محسوسی است که با حواس خود درک می‌کنیم و تحت نظام علّی و معلولی مادی است. امور اعتباری اموری است که افراد اجتماع برای تنظیم روابط خود، اعتبار یا به عبارت دیگر شناسایی کرده‌اند. حقوق، مجموعه احکام ناظر به آن دسته امور اعتباری است که مورد حمایت دولت در معنای عام قرار می‌گیرد. بنابراین باید توجه داشت که مفاهیم حقوقی برخلاف امور مادی، مفاهیم اعتباری است و اثر آن در حدی است که قانون‌گذار برای آن اعتبار کرده است.

۲- تعهد و ارکان آن

۱. مقنن در قانون مدنی تعریفی از «تعهد» ارائه نکرده و تنها در موادی چون ۱۴۰، ۱۸۳، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۶۴، ۵۱۶ و ۵۶۵، واژه تعهد را به صورت مفرد یا جمع استعمال کرده است. تعریف مرسوم حقوق‌دانان از تعهد چنین است: «رابطه‌ای حقوقی است که به موجب آن، شخص می‌تواند از دیگری، امری را بخواهد.»

ارکان تعهد عبارت است از موضوع تعهد، طرفین تعهد و رابطه حقوقی.

۲. **موضوع تعهد:** موضوع تعهد، امری است که شخص در برابر دیگری، عهده‌دار آن

می‌شود که ممکن است انجام فعل، ترک فعل یا دادن مال باشد.^۱

یکم: دادن مال: مثلاً شخصی به موجب بیع، کالای معینی به دیگری می‌فروشد و متعهد است که آن را به مشتری تسلیم کند یا صد کیلو برنج به نحو کلی می‌فروشد و متعهد است که مصداقی از آن را تعیین و به مشتری تسلیم کند.

دوم: انجام فعل

الف) انجام فعل مادی: مثلاً شخصی به موجب اجاره اشخاص متعهد می‌شود که اتومبیل شخص دیگری را تعمیر کند یا به موجب جعاله متعهد می‌شود که خانه شخص دیگری را بازسازی کند یا متعهد می‌شود که به یک دانشجو، مطلبی را تدریس کند و امثال آن.

۱. در خصوص تعهد به دادن مال، که تعهد به انتقال مال نیز نامیده می‌شود، ذکر یک نکته، اساسی است. این تقسیم‌بندی سه‌گانه، ریشه در حقوق فرانسه دارد. در حقوق فرانسه، اثر همه قراردادها را ایجاد تعهد می‌دانند ولی به تدریج در نظام حقوقی آن‌ها، قراردادهایی مثل بیع را باعث انتقال مالکیت دانستند و برای رفع تعارض بین این‌که «اثر هر قرارداد، ایجاد تعهد است» و «اثر بیع، انتقال مالکیت است»، ناگزیر گفتند که اثر بیع تعهد به انتقال مالکیت است، منتها این تعهد به محض ایجاد، اجرا می‌شود و نیاز به عمل حقوقی جداگانه ندارد. پس وقتی فرانسویان، تعهد به دادن مال را از تعهد به انجام دادن کار جدا می‌کنند، قصد آن‌ها، نشان دادن تملیکی است که در عقد بیع رخ می‌دهد، در حالی که این سخن در حقوق ایران قابل پذیرش نیست چون عقد بیع اساساً یک عقد عهدی نیست، بلکه یک عقد تملیکی است. حال اگر بگوییم منظور از تعهد به انتقال مال، تعهد به تملیک است، آن‌گاه سؤال پیش می‌آید که مگر تملیک مال، یک عمل حقوقی نیست، پس چرا باید آن را از تعهد به انجام دادن کار، جدا کنیم؟ و اگر بگوییم منظور از دادن مال، تسلیم مال است، سؤال پیش می‌آید که مگر تسلیم یک عمل مادی نیست، پس چرا باید آن را از تعهد به انجام دادن کار، جدا کنیم؟ حقیقت این است که این تقسیم‌بندی سه‌گانه از اقسام تعهدات، با حقوق ایران سازگار نیست و مجبوریم آن را توجیه کنیم ولی به هر حال، وقتی موضوع تعهد، ناظر به تسلیم یک مال باشد، احکام آن با سایر تعهدات متفاوت است و لذا ما در این کتاب، تعهد به دادن مال را ناظر به تسلیم مال می‌دانیم، یعنی تعهدی که موضوع آن، مستقیماً یک مال است و آن مال می‌تواند عین معین یا کلی باشد. فایده این تقسیم‌بندی را در مباحث وفای به عهد و مورد معامله خواهیم دید. در نتیجه، ما تعهد تملیک مال را که مثلاً در اثر قولنامه ایجاد می‌شود، یک نوع تعهد به انجام فعل حقوقی می‌دانیم نه تعهد به دادن مال.

ب) **انجام فعل حقوقی:** مثلاً شخصی به موجب قولنامه، متعهد می‌شود که خانه خود را به دیگری بفروشد یا مثلاً الف در مقابل ب تعهد می‌کند که اگر ب فلان کار را برای الف انجام داد، زمین خود را وقف بر فقرا کند و امثال آن.

سوم: ترک فعل

الف) **ترک فعل مادی:** مثلاً مردی در مقابل همسر خود تعهد می‌کند که دیگر سیگار نکشد یا دو همسایه در مقابل هم تعهد می‌کنند که خانه خود را بلندتر از سه طبقه نسازند یا مشتری یک مغازه، در مقابل فروشنده تعهد می‌کند که شغل خود را تا پنج سال تغییر ندهد و امثال آن.

ب) **ترک فعل حقوقی:** مثلاً کارگری در مقابل کارفرما تعهد می‌کند که تا دو سال بعد از قطع همکاری، نزد رقبای تجاری کارفرما، شاغل نشود یا متهم در برابر واهب متعهد می‌شود که عین موهوبه را تا پنج سال به شخص دیگری انتقال ندهد و امثال آن.

۳. **طرفین تعهد:** در هر تعهد، وجود متعهد و متعهدله ضروری است. متعهد (مدیون) شخصی است که موضوع تعهد را بر عهده گرفته و طرف مقابل، متعهدله (طلبکار) نامیده می‌شود.

۴. **رابطه حقوقی:** منظور از رابطه حقوقی، سلطه و اقتداری است که قانون‌گذار به متعهدله در برابر متعهد می‌دهد به نحوی که اگر متعهد، تعهد خود را اجرا نکند، ضمانت اجرای قانونی به بار می‌آورد. در مباحث آتی خواهیم دید که ضمانت اجرای اصلی تعهد در حقوق ایران، عبارت است از اجبار به اجرای تعهد و خسارت عدم اجرای تعهد. وجود ضمانت اجرای حقوقی، باعث تمایز بین تعهدات حقوقی و «تعهدات اخلاقی و دوستانه» می‌شود زیرا تعهدات اخلاقی و دوستانه، ضمانت اجرای حقوقی ندارد مثلاً اگر شخصی به دوست خود وعده بدهد که صبح جمعه با او به کوه می‌رود، ولی در روز موعود، وعده خود را عملی نکند، طرف مقابل نمی‌تواند از وی خسارت بگیرد.

۵. **علی‌الاصول** واژه تعهد زمانی به کار می‌رود که متعهد بنا به اراده خویش عهده‌دار انجام یا عدم انجام فعلی می‌شود و تکالیفی که به حکم قانون بر اشخاص تحمیل می‌شود،

معمولاً «الزام» نامیده می‌شود. (مثل مواد ۳۰۱ به بعد ق.م. تحت عنوان الزامات خارج از قرارداد) هر چند این قبیل تکالیف را نیز می‌توان تعهد نامید.

۶. واژه تعهد عمدتاً در مورد تکالیف مالی به کار می‌رود، اما نباید پنداشت که تعهد صرفاً به امور مالی اختصاص دارد زیرا برخی از تعهدات جنبه غیرمالی دارند، مثل تعهد حسن معاشرت زوجین در مقابل یکدیگر، (ماده ۱۱۰۳ ق.م.) تعهد اعضای انجمن‌های خیریه یا علمی برای رسیدن به هدف‌های انجمن، تعهد والدین در خصوص حضانت اطفال، (ماده ۱۱۶۸ ق.م.) تعهد اطاعت و احترام فرزندان در مقابل والدین (ماده ۱۱۷۷ ق.م.) یا تعهد مسافران هواپیما مبنی بر رعایت نظم پرواز مثل بستن کمربند ایمنی و عدم استعمال دخانیات. اگر موضوع تعهد جنبه مالی داشته باشد، به آن «حق دینی» گفته می‌شود زیرا همان‌طور که می‌دانیم، حق دینی یک حق مالی است که شخصی بر شخص دیگر دارد و به موجب آن، می‌تواند امری را از وی بخواهد.

